

تأثیر گروه همسالان بر کودکان و نوجوانان

اسماعیل بیابانگرد



درقیقه نوسان دارد و غالبا " متقابل نیست .
 کودکان ۶ تا ۸ ماهه بیشتر با محیط
 بازی شان سروکار دارند تا اسباب بازی یا
 همبازیهایشان . در این دوره معمولا " به کودکان
 دیگر توجه نمی شود . هنگامی که تماس با کودک
 دیگر به وجود می آید ، اگر این تماس دوستانه
 باشد ، چیزی بیش از یک لبخند ، یا احتمالا "
 گرفتن کودک دیگر دیده نمی شود . هنگامی که
 برخورد پرخاشجویانه ای به وجود آید ، بیشتر
 ممکن است به شکل تلاش در گرفتن اسباب بازی
 از دیگری ظاهر شود .

از ۹ تا ۱۳ ماهگی کودکان بیشتر به
 اسباب بازی توجه دارند تا همبازی . از آنجاکه
 کودکان در این دوره به اسباب بازی اهمیت
 زیادی می دهند ، گرایش دارند که بر سر آنها یا
 کودکان دیگر دعوا کنند .

اطفال بین سنین ۱۴ تا ۱۸ ماهه
 نگریشان را نسبت به همبازیهای خود تغییر
 می دهند . و چون نیازهای مربوط به اسباب بازی
 ناحدود زیادی ارضاء می شود ، مشاجراتشان با
 دیگران کاهش می یابد .

برای کودکان ۱۹ تا ۲۵ ماهه اسباب بازیها
 و همبازیها اهمیت بیشتری می یابند و ارتباط
 اجتماعی آنها زیادتر می شود . کودکان این
 سنین برای سازگاری با دیگر همسالان نشان رفتار
 خود را تغییر می دهند .

با بالا رفتن سن ، کودکان فعالیتهای کمتری
 در تنهایی دارند ، کمتر به تماشای بازی دیگران
 می ایستند و به بازی انفرادی علاقه کمتری نشان
 می دهند . در این دوره الگوهای بالغانه رفتار
 اجتماعی افزایش می یابد ، تماسهای دوستانه بین
 کودکان بیشتر روی می دهد و همکاری نیز بیشتر

در عین حال که وجود یک رابطه صمیمی
 با یک بزرگسال مهربان و پاسخگو برای
 نیازمندیها ، سوءالات و مشکلات یک کودک الزامی
 است ، کنش متقابل با کودکان دیگر نیز نقشی
 عمده در این فرایند بازی می کند . همسالان از
 راههای خاصی در شکل گیری شخصیت ، رفتار
 اجتماعی ، ارزشها ، و نگرشهای یکدیگر دخالت
 دارند ، کودکان از طریق سرمشق دهی و سرمشق
 گیری اعمالی که قابل تقلید است و با ارزشیابی
 فعالیتهای یکدیگر و باز خوردی که به یکدیگر
 می دهند ، در همدیگر تأثیر می گذارند .

کودکان و نوجوانان ، بسیاری از مهارتهای
 اجتماعی را از طریق کنش متقابل با یکدیگر
 یاد می گیرند . آنها می آموزند که چگونه چیزی
 بدهند و چیزی بگیرند ، در فعالیتهای دسته
 جمعی شرکت کنند ، از جنب و جوش دیگران لذت
 ببرند ، احساسات دیگران را درک کنند ،
 تواناییهای خود را ارزیابی کنند ، اعتماد به
 نفس کسب نمایند ، بتدریج از خانواده مستقل
 شوند و سرانجام با جامعه سازگار گردند . با توجه
 به اهمیت نکات فوق بر آن شدم تا مطالبی هر
 چند مختصر را برای اولیای محترم و معلمان و
 مربیان دلسوز مطرح کنیم .

چگونگی روابط با همسالان

در سنین مختلف

دقیقا " نمی توان گفت که تأثیر همسالان
 چه وقت اهمیت پیدای کند . بسیاری از
 شیرخوارگان با شیرخوارگان دیگر و کودکان
 خردسال تماس عادی دارند . این تماسها معمولا "
 کوتاه مدت است ، دامنه آن از چند ثانیه تا یک

صورت می گیرد .

کنند ، جهان والدین و سایر بزرگسالان ، وجهان همسالان . این دو جهان می توانند در کنار یکدیگر ، درحالی که بخش مشترک کوچکی نیز دارند ، وجود داشته باشند . دنیای همسالان خرده فرهنگی است که از بسیاری جهات تحت ناءثیر فرهنگ بزرگتری است که کودک در آن زندگی می کند ، ولی درعین حال تاریخچه ، سازمان اجتماعی و نیز ابزار انتقال آداب و رسوم خود از نسلی به نسل دیگر را دارد .

گروه همسالان مهارت‌های اجتماعی مهمی را به کودکان می آموزد که بزرگسالان به هیچ وجه نمی توانند آنها را به کودک بیاموزند ، از جمله این که : چگونه با همسالان کنش متقابل داشته باشند و چگونه با تسلط جویی و اذیت کردن دیگران کنار آیند . در دوران بعدی کودکی ، همسالان کارکردی روان درمانی دارند و به کودک کمک می کنند تا با مشکلات شخصی و اضطراب کنار آید . برای مثال وقتی که کودکی درمی یابد که سایر کودکان نیز از دست والدینشان عصبانی می شوند ، ممکن است احساس اضطرابش کمتر شود .

همسالان به عنوان سرمشق

تحقیقات متعددی نشان داده است که همسالان به عنوان سرمشق می توانند بر رفتار کودکان ناءثیر بگذارند . وقتی که کودکی می بیند که کودک همسالش به سبب رفتاری که انجام داده است پاداش دریافت می کند ، او نیز بی آنکه توقع همان پاداش را داشته باشد ، به انجام آن رفتار ترغیب می شود . این فرایند در مدرسه شدت پیدایمی کند ، زیرا کودکان در حدود ۶ - ۷ سالگی به بازیهای جداگانه و خاص جنس خود

در دوره دبستان دایره دوستان کودک گسترده تر و استحکام دوستیها بیشتر می شود . کودکان مدرسه رو در مقایسه با کودکان خردسالتر با یکدیگر بیشتر ارتباط دارند و بیشتر در فعالیتهای اجتماعی شرکت می کنند . در سالهای اولیه مدرسه بچه ها گروههایی را تشکیل می دهند و کودک مدرسه رو معمولاً " به یکی از این گروهها تعلق دارد .

در سنین نوجوانی ، نوجوانان به رفاقت و دوستی با همسالان اهمیت فراوانی می دهند و از زندگی مشترک با آنان لذت می برند . اجتماع نوجوانان محیطی را فراهم می سازد که در شخصیت هریک از آنان اثر عمیق خواهد داشت . گروه همسالان دارای قدرت زیادی است و می تواند اعضای گروه را تحت ناءثیر خود قرار دهد . این گروه نقطه اتکالی برای اعضاء محسوب می شود و حتی گاهی در مقابل خانواده قیام می کند و خشم خانواده ها را برمی انگیزد .

جذب گروهی و پذیرفته شدن در جمع دوستان برای نوجوانان اهمیت فراوان دارد و لذا باید هرگونه انزوا و کناره گیری را در دوره نوجوانی به دقت مورد بررسی قرار داد و علت آن را جویا شد . شاید دلیل انزوا ، نداشتن مهارت اجتماعی باشد و یا به دلیل احساس خطاکاری و اشتباه و یا احساس بی ارزشی باشد که در این صورت آموزش مهارت‌های ارتباطی می تواند به نوجوان کمک کند تا در جمع پذیرفته شود و خود را ابراز دارد .

همسالان به عنوان عامل

اجتماعی شدن

درواقع کودکان در دو جهان زندگی می -



میزان شایستگی، هوش، وضعیت تحصیلی، اجتماعی بودن... و میزان تقلید دیگر همسالان از وی همبستگی وجود دارد. به طوری که هرچه میزان هوش، موفقیت تحصیلی، اجتماعی بودن یک کودک بیشتر باشد، میزان تقلید همسالان هم از او بیشتر خواهد بود. همچنین، کودکان بیشتر سرمشقهایی را مورد تقلید قرار می دهند که شبیه خود آنان هستند، ناآنها که دارای این شباهت نیستند.

همسالان به عنوان معلمان

همسالان می توانند معلمان کارآیی برای تدریس موضوعات درسی باشند. در بعضی کشورها (مثل شوروی سابق) تقریباً "همه کودکان موظفند به کودکان کوچکتر از خود آموزش دهند. این کار صرفاً" برای آموزش کودکان خردسالتر نیست، بلکه وسیله ای است برای اینکه به کودکان مسوولیت اجتماعی، نوع دوستی و فداکاری

می پردازند. وقتی کودکان جنس مخالف را در بازیهایشان شرکت نمی دهند و بیشتر به همجنسان خود توجه می کنند، باید این رفتار را نخستین گام در راه شناخت و آگاهی جنسیتی آنان به شمار آورد.

واکنشهای عاطفی و کنشهای متقابل اجتماعی با مشاهده همسالان تغییر می کند. برای مثال، اگر کودکی همسالان خود را ببیند که به یک شوخی می خندند، او نیز همین واکنش را نشان خواهد داد.

همچنین کودکان می توانند برای آن دسته از همسالان خود که ترسهای غیرمنطقی دارند، نقش درمانگر را داشته باشند. به این ترتیب که می توانند به آنان طرز برخورد تدریجی با محرکهایی را که برای آنان ترس آور است، نشان دهند.

در میان همسالان بعضی از آنها به عنوان سرمشق، اثربخش ترند. به عنوان مثال، بین

هامچک (HAMACHEK) عملکرد

گروه همسال را به صورت زیر بیان می کند :

- ۱- جانشین شدن برای خانواده
- ۲- منبع احترام شخصی
- ۳- منبع ثبات و استواری در زمانی که دوره تحول و انتقال است
- ۴- سیری در مقابل فشار بزرگسالان
- ۵- منبع قدرتی که فرد، طرز رفتار خود را از آن می گیرد
- ۶- سرمشقی برای رشد اخلاقی، اجتماعی، ذهنی و عاطفی

گروه همسال به دو صورت به نوجوان در برابر خانواده کمک می کند: "اولا"، جای پدر و مادر را می گیرد و نوجوان را به انجام اعمال، قواعد و رسوم و او می دارد. ثانياً، در مقابل پدر و مادر از نوجوان حمایت می کند. ثانیاً، گروه همسال تا حدی است که گاهی طرز رفتار، نحوه تکلم و حتی شیوه لباس اعضاء را تعیین

بسیاری از مریبان معتقدند که کودکانی که به کودکان دیگر آموزش می دهند، خود نیز چیزهایی می آموزند، حتی شاید بیش از شاگردانشان. با این کار انگیزش آموخته و درگیر شدن او با موضوع درسی افزایش می یابد و عملکرد تحصیلی وی ارتقای کیفی پیدا می کند.

نوجوان و گروه همسال

گروه همسال بر تصمیماتی که افراد عضو می گیرند تأثیر می گذارد. در یک تحقیق مشخص شد که تصمیم به ادامه تحصیل و رفتن به دانشگاه در نوجوانان تحت تأثیر تصمیمات رفقا و دوستان آنان بوده است. تأثیر گروهی و پذیرفته شدن، به رشد شخصیت فرد کمک می کند. کودکانی که محبوب همسالانشان هستند در نوجوانی نیز به احتمال زیاد این محبوبیت را حفظ می کنند.



می نماید .

باتوجه به اینکه گروه همسال برای نوجوان ایجاد امنیت می کند، یعنی سپری در برابر حملات بزرگسالان است و فرهنگ خاصی را عرضه می کند، هرگونه اقدام نابجای والدین، نوجوان را بیشتر به طرف همسالان می کشد. شناخت این مرحله از رشد و آگاهی از نیازهای آن می تواند به والدین اعتبار بخشد و آنان را در برابر گروه همسالان قرار ندهد .

منابع :

- ۱ - احمدی، احمد (۱۳۶۹) : "روان شناسی نوجوانان"، تهران، انتشارات نشرودکی
- ۲ - ماسن، پاول هنری وهمکاران (۱۳۶۸) : رشد و شخصیت کودک" (ترجمه مهشید یاسایی)، تهران، نشرمرکز



- 3- ABRAMOVITH, R. & GRUSC, J.F. (1978) : PIER IMITATION IN A NATURAL SETTING, "CHILD DEVELOPMENT", NO.49, P. 60-65
- 4- BRONFEN, B.U. (1980) : "TWO WORLD OF CHILDHOOD" NEW YORK, RUSSELL SAGE FOUNDATION.

بقیه از صفحه ۴۲

— من از اینکه آموزش و پرورش به فکر ما هستند و نظر ما را پرسیدند خوشحالم .
 — باتشکر از شما که انشای به این خوبی به ما دادید .
 — من از شما تشکر می کنم که این انشای دلپذیر را به ما دادید .
 — من از این انشاء خیلی خوشم آمد .

مدرسه مورد نظر کودکان، مدرسه ای است مرتب و پاکیزه که در آنجا بتوانند بدون ترس از تنبیه، تحقیر و تمسخر درس بخوانند .
 این تجربه درضمن به ما نشان داد که کودکان تا چه حد از اینکه بزرگترها نظریات و عقاید آنان را جویا شوند خوشحال می شوند .
 چند نمونه زیر نمودار استقبال کودکان از این نوع نظرخواهی است :